

The Role of Sociological Factors Effective in Domestic Violence Against Women Referring to Social Emergency Center

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Hossein Abbasi Aghdam¹

Habib Sabouri Khosroshahi^{2*}

Nowruz Hashemzahi³

How to cite this article

Hossein Abbasi Aghdam, Habib Sabouri Khosroshahi, Nowruz Hashemzahi, The Role of Sociological Factors Effective in Domestic Violence Against Women Referring to Social Emergency Center, Islamic Life Style. 2023; 7 (2) :328-334.

1. PhD student, Department of Sociology of Social Issues of Iran, Garmsar branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Tehran East Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: habibsabouri@hotmail.com

Article History

Received: 2023/03/30

Accepted: 2023/06/03

ABSTRACT

Purpose: Domestic violence against women is one of the common violence in society and family. Therefore, the present studying the role of sociological factors effective in domestic violence against women referring to social emergency center.

Materials and Methods: The method of the present study was a descriptive survey. The research population consisted of all married women aged 24 to 64 who referred to the social emergency center of the city in 2021, of which 390 people were selected as a sample based on Cochran's statistical formula by cluster sampling. The data collection tool was a researcher-made questionnaire, whose content validity and reliability were confirmed by Cronbach's alpha method. SPSS version 22 software and Pearson correlation test were used for data analysis.

Findings: The results showed a positive and significant relationship between all variables of the research, i.e. acceptance of violence, patriarchal family environment, involvement of parents and others, non-acceptance of gender roles, unequal power relations in the family environment, lack of attention to emotional needs and desires, economic base and Social status of parents, having less assets, experience of abuse in childhood, women's age, education and husband's addiction were associated with experience of domestic violence against women ($05/ > P$). Finally, the designed model was able to explain the phenomenon of domestic violence against women by 0.57%.

Conclusion: According to the findings of this research on the impact of individual, social and economic resources in creating the context of domestic violence against women, it is necessary to plan for the empowerment of women affected by domestic violence.

Keywords: Domestic Violence, Sociological Factors, Women

نقش عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در خشونت خانگی علیه زنان مراجعه‌کننده به مرکز اورژانس اجتماعی

حسین عباسی اقدم^۱

دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

حبیب صبوری خسروشاهی^{۲*}

استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

نوروز هاشم زهی^۳

استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: خشونت خانگی علیه زنان از جمله خشونت‌های رایج در سطح جامعه و خانواده است. از این‌رو مطالعه حاضر باهدف مطالعه نقش عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در خشونت خانگی علیه زنان مراجعه‌کننده به مرکز اورژانس اجتماعی انجام شد.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه پژوهش را تمامی زنان متاهل ۲۴ تا ۶۴ سال مراجعه‌کننده به مرکز اورژانس اجتماعی شهرستان در سال ۱۴۰۰ تشکیل می‌دادند که از این میان، ۳۹۰ نفر بر اساس فرمول آماری کوکران به‌عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده نیز پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی محتوایی و پایایی آن از روش آلفای کرونباخ تأیید شد. جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد رابطه مثبت و معنی‌داری بین همه متغیرهای پژوهش یعنی پذیرش خشونت، محیط مردسالار خانواده، دخالت والدین و اطرافیان، عدم پذیرش نقش‌های جنسیتی، روابط قدرت نابرابر در محیط خانواده، عدم توجه به نیازها و خواسته‌های عاطفی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین، دارا بودن دارایی‌های کمتر، تجربه آزار در دوره کودکی، سن زنان، تحصیلات و اعتیاد شوهر با تجربه خشونت خانگی علیه زنان بود ($P > 0.05$). مدل طراحی شده به‌اندازه ۰/۵۷ درصد قادر به تبیین پدیده خشونت خانگی علیه زنان بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های این پژوهش در زمینه تأثیر منابع فردی، اجتماعی و اقتصادی در ایجاد زمینه خشونت خانگی علیه زنان برنامه‌ریزی در زمینه توانمندسازی زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی ضروری است.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، عوامل جامعه‌شناختی، زنان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

*نویسنده مسئول: habibsabouri@hotmail.com

مقدمه

مسائل اجتماعی به‌عنوان پدیده‌های نامطلوب اذهان صاحب‌نظران و افکار عمومی را به خود مشغول داشته‌اند و خشونت از جمله مسائل اجتماعی هست که نه تنها متأثر از جنبه‌های مختلف حیات بشری است بلکه بر آن‌ها نیز تأثیرگذار خواهد بود و خشونت، سلامت و امنیت خانواده را تهدید می‌کند (۱)، شایع‌ترین نوع خشونت علیه زنان خشونت اعمال‌شده علیه شریک زندگی است که از آن به‌عنوان خشونت خانگی (Domestic Violence) یاد می‌شود (۲). که در آن، رفتار خشن یکی از اعضای خانواده (معمولاً مرد) نسبت به یکی دیگر از اعضای خانواده (معمولاً زن) است (۳). و معمولاً معطوف به زنان است و شامل هرگونه سوءاستفاده جسمی، روانی و جنسی می‌شود (۴). اعمال خشونت علیه زنان و بدرفتاری با آن‌ها از رایج‌ترین جرائم اجتماعی و از عریان‌ترین جلوه‌های اقتدار مردسالاری در جهان امروز است که در تمام ملت‌ها طبقات و گروه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد (۵).

به دست آوردن آمار واقعی در مورد شیوع خشونت خانگی علیه زنان در داخل کشور امری دشوار است به این علت که فرهنگ ایرانی همواره خشونت را موضوعی خصوصی در نظر گرفته و زنان قربانی این مسئله را به سکوت و مطرح نکردن آن در عرصه عمومی جامعه ترغیب کرده است. همچنین منابع رسمی جامعه نیز تمایلی به جمع‌آوری آمار رسمی در این زمینه و اعلام آن ندارند. پیمایش قاضی طباطبایی و همکاران تنها پژوهش انجام‌شده در سطح ملی است که به بررسی این مسئله در سراسر کشور پرداخته است. این پیمایش نشان داد شصت و شش درصد از زنان ایرانی حداقل یک‌بار خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند (۶). خشونت خانگی نسبت به شریک زندگی او را در معرض آسیب‌های جسمی و روانشناختی قابل‌توجهی قرار می‌دهد و بر سلامت و کیفیت زندگی قربانیان و خانواده‌های آن‌ها اثرات مخرب و ماندگار می‌گذارد (۷). خشونت خانگی علیه زنان علاوه بر جنبه‌های حقوقی و اخلاقی، عواقب جسمی، روانی و اجتماعی متعددی دارد که می‌تواند سلامت زنان، خانواده و جامعه را به خطر اندازد (۸).

مطالعه یک‌ه کار و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد زنان خشونت دیده چهار نوع از منابع را در روایت‌های خود برشمردند که فقدان آن‌ها و یا دسترسی ناکافی به آن‌ها زمینه‌ساز خشونت خانگی علیه آنان شده است. این منابع عبارت‌اند از حمایت اجتماعی خانواده و دوستان، حمایت قانون، منابع اقتصادی و منابع فردی. روایت‌های زنان آشکار ساخت (۹). آزمون رگرسیون لجستیک نوح جاه و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که سن، سواد و شغل زن، قومیت، شهر محل سکونت و بیماری روحی همسر با تجربه هر نوع خشونت ارتباط معنادار دارد (۱۰). یافته‌های پژوهشی دیگر حاکی از نقش عوامل خانوادگی همچون برهم‌کنش تنش آلود و ناهمترایی پایگاهی، عوامل اجتماعی نظیر مواجهه شبه کارناوالی با ازدواج و عوامل فرهنگی مانند تصورات مردسالارانه است (۱۱). یافته‌های مطالعه کبیری و همکاران (۱۳۹۷) حاکی از آن است که رابطه خطی بین متغیرهای حمایت اجتماعی، احساس امنیت، سرمایه اجتماعی و اقتدار نامشروع مرد در خانواده با خشونت علیه زنان مورد تأیید واقع شده است (۱۲).

شوهران پاسخ‌گویان دارای اعتیاد به مواد مخدر هستند و ۹ درصد آنان نیز مشروبات الکلی مصرف می‌کنند.

میانگین یافته‌های شاخص خشونت‌پذیری زنان به‌طور متوسط برابر با ۳/۰۵ درصد است؛ که ۱۱/۸ درصد از آن‌ها به میزان خیلی زیاد خشونت‌پذیر بوده‌اند، ۲۵/۱۳ درصد به میزان زیاد، ۲۵/۸۷ درصد به میزان متوسط، ۲۱/۵۶ درصد به میزان کم و ۱۱/۵ درصد به میزان خیلی کم. میانگین شاخص تجربه کودک‌آزاری در دوره کودکی برابر با ۲/۶۲ درصد بوده است که اندکی کمتر از متوسط است. زنان بیش از همه کودک‌آزاری از نوع غفلت را تجربه کرده‌اند و بعد به ترتیب خشونت روانی، خشونت فیزیکی و در انتها خشونت جنسی. میانگین شاخص عدم پذیرش نقش‌های جنسیتی برابر با ۳/۵۱ درصد که اندکی کمتر از زیاد است. لذا یافته‌های این شاخص نشان می‌دهد که زنان تا حدود زیادی نقش‌های جنسیتی را نمی‌پذیرند. یافته‌های شاخص دخالت والدین و اطرافیان نشان می‌دهد که به میزان اندکی کمتر از متوسط در زندگی آنان دخالت می‌کنند. بیش‌ترین فراوانی دخالت برای گزینه زیاد هست که برابر با ۲۴/۱۵ درصد است. در شاخص الگوی سنتی پدرسالاری و مردسالاری در خانواده با میانگین برابر با ۳/۲۲ درصد، اندکی بیش‌تر از متوسط است. این یافته نشان می‌دهد به‌اندازه متوسط در خانواده پاسخ‌گویان الگوی سنتی پدرسالاری و مردسالاری حاکم است. در شاخص بی‌توجهی به نیازها، خواسته‌ها و عواطف زنان با میانگین ۲/۹۹ درصد و به‌طور متوسط نشان می‌دهد خواسته‌ها و نیازهای عاطفی آنان نادیده گرفته می‌شود. شاخص روابط قدرت در خانواده برابر با ۳/۲۹ درصد است که از متوسط بیش‌تر است. این شاخص نشان‌دهنده میزان متوسط روابط نابرابر قدرت در خانواده در میان پاسخ‌گویان است.

به‌طورکلی با در نظر داشتن مؤلفه خشونت خانگی علیه زنان در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، روانی، فیزیکی و جنسی، زنان بیش از همه خشونت اجتماعی را تجربه می‌کنند و سپس به ترتیب خشونت اقتصادی، خشونت روانی، خشونت فیزیکی و خشونت جنسی. میانگین شاخص برابر با ۲/۷۲ درصد است که نشان می‌دهد، زنان به میزان اندکی کمتر از متوسط در محیط خانواده خشونت را تجربه می‌کنند. نتایج شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین شاخص عدم پذیرش نقش‌های جنسیتی از همه بیش‌تر است و سپس در رده‌های بعدی روابط قدرت در خانواده (روابط نابرابر قدرت)، الگوی سنتی پدرسالاری و مردسالاری، خشونت‌پذیری زنان، بی‌توجهی به خواسته‌ها و نیازهای عاطفی، دخالت والدین و اطرافیان در زندگی، تجربه خشونت خانگی و تجربه خشونت در دوران کودکی قرار دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان دیگر مثل گذشته تقسیم‌کار بر اساس جنسیت را نمی‌پذیرند و روابط نابرابر قدرت در خانواده به همراه الگوهای سنتی پدرسالاری و مردسالاری که نوعی از روابط نابرابر است برای آنان یک چالش است، علی‌رغم همه این موارد، اطرافیان همچنان در زندگی آن‌ها دخالت می‌کنند و همه این‌ها در کسب تجربه خشونت، در زندگی آن‌ها نقش داشته است که در بخش بعد با استفاده از آزمون‌های آماری به‌طور دقیق‌تر به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

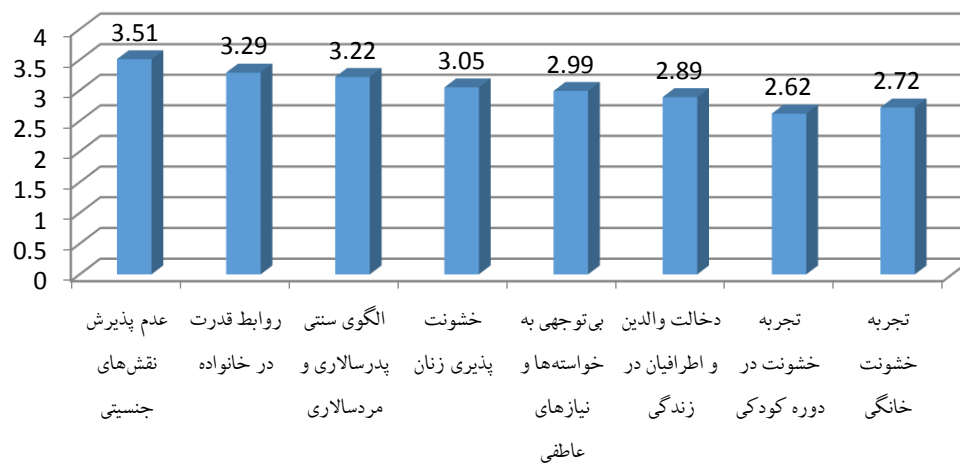
خشونت خانگی علیه زنان یکی از مسائل اجتماعی شایع و با قدمت جامعه است. پیشگیری، کاهش و کنترل این مسئله اجتماعی نیازمند شناسایی زمینه‌های اصلی اجتماعی آن است (۹). از سویی پرداختن به خشونت خانگی با توجه به شیوع و عوارض جسمانی روانشناختی و مرگ‌ومیر ناشی از آن اولویت جهانی بهداشت عمومی است (۱۳). تجربه خشونت و به دنبال آن بروز آسیب‌های روانشناختی در زنان به‌عنوان افرادی که نقش ویژه‌ای در تربیت نسل‌های بعدی دارند علاوه بر عوارض فردی می‌تواند در طولانی‌مدت هزینه‌های سنگینی را بر جامعه تحمیل نماید، لذا می‌تواند با شناخت دقیق عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی و جنبه‌های متعدد آن زمینه مناسبی را در جهت پیشگیری آموزش مداخله و درمان قربانیان و خانواده‌های آن‌ها فراهم نمود. از این‌رو مطالعه حاضر باهدف مطالعه نقش عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در خشونت خانگی علیه زنان مراجعه‌کننده به مرکز اورژانس اجتماعی انجام شد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه عوامل جامعه‌شناختی در خشونت خانگی علیه زنان مراجعه‌کننده به مرکز اورژانس اجتماعی نقش دارند؟

مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت توصیفی تحلیلی از حیث هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه پژوهش را تمامی زنان متأهل ۲۴ تا ۶۴ سال مراجعه‌کننده به مرکز اورژانس اجتماعی شهرستان در سال ۱۴۰۰ تشکیل می‌دادند که از این میان، ۳۹۰ نفر بر اساس فرمول آماری کوکران به‌عنوان حجم نمونه به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده نیز پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت طراحی شده است. برای ارزیابی اعتبار پرسشنامه مذکور از اعتبار محتوایی از نوع صوری و برای سنجش پایایی آن از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضرایب پایایی به دست آمده برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ بوده و در حد مناسبی می‌باشد. جهت تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها

در بخش سیمای پاسخ‌گویان، بیش‌ترین تعداد افراد مورد مطالعه در سنین ۲۴ تا ۳۳ سال به میزان ۹۲ درصد هستند. از این میان بیش‌ترین آنان دارای مدرک دیپلم با میزان ۹۸ درصد هستند. یافته‌های شغل زنان نشان می‌دهد ۳۱/۸ درصد آنان شاغل و ۶۵/۹ درصد نیز بی‌کار هستند. البته بخش قابل‌توجهی از زنانی که بی‌کار می‌باشند، در اصل مشغول به کار خانهداری هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد بیش از دوسوم زنان به‌نوعی به لحاظ اقتصادی وابسته به شوهرانشان هستند. در خصوص منابع حمایتی، میزان ۴۰/۲۳ درصد از زنان گفته‌اند از دارایی خاص خود، غیر از دارایی شوهرشان برخوردار هستند و ۵۶/۴۴ درصد آنان، فاقد هر نوع دارایی هستند. در خصوص مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی نشان می‌دهد که ۱۰/۳ درصد از



شکل ۱. شاخص‌های توصیفی

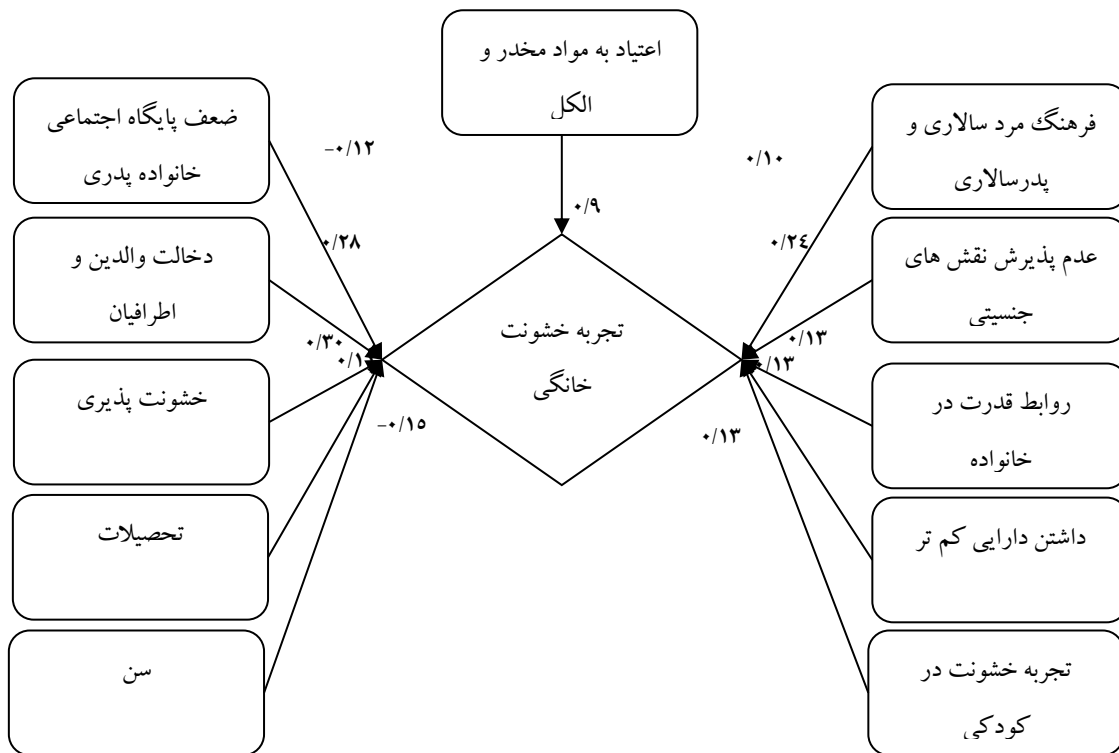
است. لازم به ذکر است قبل از این آزمون، کلموگراف اسمیرنوف به منظور نرمال بودن داده‌های متغیرهای پژوهش انجام شده که نشان داد آن‌ها نرمال هستند.

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون رگرسیون استفاده می‌شود. چراکه این آزمون علاوه بر نشان دادن میزان هم‌بستگی میان متغیرهای پژوهش، قادر به پیش‌بینی و تعیین میزان رابطه میان آنان

جدول ۱. آزمون فرضیه‌های پژوهش

B	Constant	Sig	R ²	R	فرضیه
۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۰۰	۰/۱۴	۰/۳۱	پذیرش خشونت
۰/۱۰	۰/۲۸	۰/۰۰۲	۰/۰۹	۰/۱۱	محیط مردسالار خانواده
۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۰۰۰	۰/۱۷	۰/۳۸	دخالت والدین و اطرافیان
۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۰۰۰	۰/۱۹	۰/۴۲	عدم پذیرش نقش‌های جنسیتی
۰/۱۳	۰/۱۷	۰/۰۰۰	۰/۱۳	۰/۲۳	روابط قدرت نابرابر در محیط خانواده
۰/۲۷	۰/۳۰	۰/۱۷۱	۰/۱۶	۰/۳۵	عدم توجه به نیازها و خواسته‌های عاطفی
۰/۱۲	۰/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۱۱	۰/۱۶	پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین
۰/۱۳	۰/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۱۲	۰/۱۳	دارا بودن دارایی‌های کمتر
۰/۱۳	۰/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۱۲	۰/۱۳	تجربه آزار در دوره کودکی
۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۲۶	سن زنان
۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۰۰۰	۰/۱۲	۰/۱۸	تحصیلات
۰/۹	۰/۲۱	۰/۰۰۴	۰/۰۵۷	۰/۲۴	اعتیاد شوهر

بر اساس آزمون فرضیه شماره یک، یافته‌ها نشان می‌دهد؛ رابطه مثبت و معنی‌داری بین همه متغیرهای پژوهش یعنی پذیرش خشونت، محیط مردسالار خانواده، دخالت والدین و اطرافیان، عدم پذیرش نقش‌های جنسیتی، روابط قدرت نابرابر در محیط خانواده، عدم توجه به نیازها و خواسته‌های عاطفی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین، دارا بودن دارایی‌های کمتر، تجربه آزار در دوره کودکی، سن زنان، تحصیلات و اعتیاد شوهر با تجربه خشونت خانگی علیه زنان تأیید می‌شود ($P < 0.05$).



شکل ۲. مدل تحلیل مسیر شکل‌گیری پدیده خشونت خانگی

زمینه‌ساز خشونت خانگی علیه زنان حکایت دارد (۹). مطالعه نوح جاه و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که سن، سواد و شغل زن، قومیت، شهر محل سکونت و بیماری روحی همسر با تجربه هر نوع خشونت ارتباط معنادار دارد (۱۰). یافته‌های پژوهش فیض‌اللهی حاکی از نقش عوامل خانوادگی همچون برهم‌کنش تنش آلود و ناهمترایی پایگاهی، عوامل اجتماعی نظیر مواجهه شبه کارناوالی با ازدواج و عوامل فرهنگی مانند تصورات مردسالارانه است (۱۱). یافته‌های مطالعه کبیری و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که رابطه خطی بین متغیرهای حمایت اجتماعی، احساس امنیت، سرمایه اجتماعی و اقتدار نامشروع مرد در خانواده با خشونت علیه زنان برقرار است (۱۲).

نکته حائز اهمیت این است که ابعاد موردنظر با توجه به اعمال قدرت ناشی از ایدئولوژی مردسالارانه و پدرسالارانه و کسب تجربه خشونت در دوران کودکی، دخالت دیگران و والدین در امور زندگی مشترک زوجین، اعمال زور در ازدواج اجباری با فرد ناشناس و عدم آشنایی کامل به زندگی زناشویی، اهانت، توهین و فحاشی، عدم توجه به نیازهای عاطفی، محبت و علاقه زنان از جانب مردان به دلیل مسائلی اعم از فقر، بی‌کاری و درنهایت رو آوردن به مصرف مواد مخدر و الکل، ضرب و شتم زنان به دلیل فشارهای ناشی از شرایط حاکم بر کانون خانواده و عدم کنترل از جانب مردان، توزیع نابرابر قدرت در تصمیم‌گیری در امور مشترک زندگی زناشویی، هزینه‌های روزمره و خرید لوازم‌ماینحتاج زندگی، دخالت در درآمد، دارایی و حقوق زنان به دلیل ایدئولوژی حاکم بر آنان در ابعاد مختلف جسمی، جنسی، عاطفی، اقتصادی و اجتماعی می‌توان مورد ارزیابی و مطالعه و بررسی قرارداد؛ بنابراین فرضیه‌های پژوهش مصادق نتایج حاصل از پژوهش هست. در خصوص تحصیل و اشتغال نیز رابطه مستقیم و معکوس با شیوع

شکل ۲. نشان‌دهنده یافته‌های تحلیل مسیر مدل خشونت خانگی است. برای شناسایی تأثیر هر یک از مسیرها بر خشونت خانگی از ضرایب بتا استفاده شده است. همان‌گونه که شواهد نشان می‌دهد بیش‌ترین تأثیر بر خشونت خانگی، عدم پذیرش نقش‌های جنسیتی با ضریب بتا ۰/۳۴ درصد داشته است و پس‌از آن، دخالت اطرافیان و والدین با بیش‌ترین تأثیر قرار دارد. هم‌چنین با استفاده از آزمون رگرسیون چند متغیره و واردکردن همه عامل‌ها شواهد نشان داد، مدل پژوهش ۰/۵۷ درصد از واریانس خشونت خانگی را پیش‌بینی می‌کند. لذا می‌توان گفت مدل طراحی‌شده به‌اندازه ۰/۵۷ درصد قادر به تبیین پدیده خشونت خانگی است.

نتیجه‌گیری

خشونت خانگی علیه زنان از جمله خشونت‌های رایج در سطح جامعه و خانواده است. از این‌رو مطالعه حاضر باهدف نقش عوامل جامعه‌شناختی در خشونت خانگی علیه زنان انجام شد. با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش، به‌طور کلی می‌توان گفت که پدیده خشونت خانگی علیه زنان مشهود است و نکته حائز اهمیت پژوهش انجام‌شده، با توجه به تجربیاتی که آنان از این پدیده کسب کرده‌اند، نتایج پژوهش از نقش پذیرش خشونت، محیط مردسالار خانواده، دخالت والدین و اطرافیان، عدم پذیرش نقش‌های جنسیتی، روابط قدرت نابرابر در محیط خانواده، عدم توجه به نیازها و خواسته‌های عاطفی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین، دارا بودن دارایی‌های کمتر، تجربه آزار در دوره کودکی، سن زنان، تحصیلات و اعتیاد شوهر بر خشونت زنان حکایت داشت. یافته فوق با نتایج مطالعات پیشین در این زمینه همسو است. مطالعه بکه کار و همکاران (۱۳۹۸) از نقش حمایت اجتماعی خانواده و دوستان، حمایت قانون، منابع اقتصادی و منابع فردی، روایت‌های زنان در

4. Miller E, McCaw B. Intimate partner violence. *New England Journal of Medicine*. 2019;380(9):850-7.
5. Sabeti M, Latifi R, Mohamadian M. Investigating the causes of domestic violence against women. *Woman and Culture*. 2014;6(20):97-117.
6. Ghazi-Tabatabaiee. National investigation about domestic violence against women. Ministry of Interior and vice presidency for women and family affairs. 2005. (Persian).
7. Bradbury-Jones C, Isham L. The pandemic paradox: The consequences of COVID-19 on domestic violence. *Journal of clinical nursing*. 2020;29(13-14):2047.
8. Hasanpoor A, Simbar M, Kermani M. Domestic violence against women: review of theories, prevalence and its effective factors. *Advances in Nursing & Midwifery*. 2011;21(73):44-52. (Persian).
9. Yekekar S, Aghabakhshi H, Hosseini Haji Bakande SA. Social Themes of Domestic Violence Against Women. *Quarterly Journal of Social Work*. 2019;8(3):49-59. (Persian).
10. Nouhjah S, Latifi SM, Haghghi M, Eatesam H, Fatholahifar A, Zaman N, et al. Prevalence of domestic violence and its related factors in women referred to health centers in Khuzestan Province. *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences*. 2011;15(4):278-88. (Persian).
11. Feizolahi A. Sociological Study of Domestic Violence against Women (Case Study: City of Ilam). *Woman in Development & Politics*. 2022;20(4):529-56. (Persian).
12. Kabiri A, Saadati M, Noruzi V. Sociological Analysis of Factors Affecting Domestic Violence Case Study: Married Women in Urmia. *Quarterly Journal of Woman and Society*. 2018;9(34):295-320. (Persian).
13. Organization WH. Violence against women prevalence estimates, 2018: Global, regional and national prevalence estimates

خشونت علیه زنان دارد. به طوری که با بالاتر رفتن سطح دانش و آگاهی آنان به مراتب از حقوق شهروندی و مدنی خود نسبت به مردان مطلع می‌شوند و کمتر مورد خشونت قرار گرفته و از سر مقابله و کشمکش با ایدئولوژی حاکم بر خانواده چون مردسالاری و پدرسالاری برآمده و از حق خود دفاع می‌کنند و در زمینه اشتغال نیز، هنگامی که زنان دارای استقلال مالی باشند به مراتب از قدرت برابر برخوردار بوده و می‌توانند در تصمیم‌گیری بر مردان پیشی بگیرند.

از جمله محدودیت‌های مطالعه حاضر به دسترسی به زنان خشونت دیده که تمایل به شرکت در پژوهش و انجام مصاحبه داشته باشند اولین چالش پیش رو بود. چون خشونت خانگی خصوصی تلقی می‌شود، جلب اعتماد زنان برای صحبت در این زمینه و گرفتن مجوز ضبط فرآیند مصاحبه از آنان، یکی از محدودیت‌های جدی بود. همچنین بر اساس طرح پژوهش در نمونه مورد بررسی می‌بایست سن، جنس، نوع خشونت، وضعیت تأهل و پایگاه اقتصادی - اجتماعی مدنظر قرار گیرد و دسترسی به برخی افراد نمونه از جمله زنان سن بالا و افرادی که هنوز با همسر آزارگر زندگی می‌کردند و جلب اعتماد ایشان یکی از دیگر محدودیت‌های پژوهش بود. همچنین نبود امکان مصاحبه با مردان و روایت صرفاً زنانه از پدیده خشونت خانگی علیه زنان از دیگر محدودیت‌های مطالعه حاضر بود. پیشنهاد می‌شود پرسش‌نامه‌ای استاندارد، مناسب فرهنگ‌های مختلف طراحی شود و تعاریف مشخص از رفتارهای مرتبط با هر نوع خشونت ارائه شود. همچنین انجام مطالعات بیشتر درباره تفاوت‌های قومیتی، طراحی مطالعات مبتنی بر جمعیت و برنامه‌ریزی برای آموزش پیشنهاد می‌شود. با توجه به یافته‌های این پژوهش در زمینه تأثیر منابع فردی، اجتماعی و اقتصادی در ایجاد زمینه خشونت خانگی پیشنهاد می‌شود مددکاران اجتماعی در کار با زنان خشونت دیده، بر روی برنامه‌های توانمندسازی زنان در این حوزه‌ها کار کنند.

References

1. Abdollahi, M. Social Issues Plan in Iran. Goals and Needs. Collection of articles on social issues in Iran, Tehran: Publishing Ageh Institut, 2004. (Persian).
2. Sardinha L, Maheu-Giroux M, Stöckl H, Meyer SR, García-Moreno C. Global, regional, and national prevalence estimates of physical or sexual, or both, intimate partner violence against women in 2018. *The Lancet*. 2022;399(10327):803-13.
3. Sharbatian MH, Danesh P, Tavafi P. Sociological analysis of domestic violence against women and its impact on the sense of security (Case study 18 women 54 years in miyaneh). *Strategic Research on Social Problems in Iran*. 2017;6(1):47-72. (Persian).

for intimate partner violence against women and global and regional prevalence estimates for non-partner sexual violence against women. Executive summary: World Health Organization; 2021.